جنگ ادغام‏ها

 رون كافمن××× (1) Ron Kaufman ×××

چكيده:

در اين مقاله به ادغام‏هايى كه ميان شركت‏هاى رسانه‏اى صورت مى‏گيرد پرداخته شده و مسائلى در مورد اين ادغام‏ها، مثل نحوه صورت گرفتن آن‏ها واين‏كه اين ادغام‏ها بدون تصويب و نظارت كافى انجام شده‏اند، بررسى شده است.

نويسنده پس از شرح دارايى‏هاى شركت‏هاى Vivendi, NBC، دلايلى كه اين شركت‏ها را تشويق به متحد شدن كرده است و همين‏طور اهداف آن‏ها رااز اين ادغام بررسى كرده است. در پايان به آثار اين‏گونه ادغام‏ها و اين‏كه براى چه كسانى سودمند هستند، پرداخته شده است.

بخشى از استراتژى تجارت جنرال الكتريك

دارث وادر در فيلم سال 1983 استاروارز با نام «امپراتورى مقابله به مثل مى‏كند»، اين‏گونه مى‏گويد: «شما نيروى «بخش تاريك» را نمى‏فهميد». وادردست لوك اسكارى‏واكر را قطع كرده است و در تلاش است تا قهرمان تازه از كار افتاده را به سمت تاريك قدرت وسوسه كند. وادر شيطانى مطلق است‏كه فقط حكمرانى جهانى در ذهن اوست. در فيلم‏هاى استار وارز پيام دارث وادر واضح مى‏باشد: يا به او ملحق مى‏شوى يا مى‏ميرى. اين چيزى است كه‏براى شركت‏هاى رسانه‏اى امروز تا اندازه‏اى در حال رخ دادن است. هر شركتى در حال تلاش است تا سلطه خود را افزايش دهد.

در آوريل سال 2004، تقسيم‏بندى تلويزيون NBC و برنامه جهانى (VVE(Vivendi شركت جنرال الكتريك، مشكل گذشته آن‏ها را براى يك ادغام 14ميليارد دلارى حل كرد. كميته تجارت مركزى ايالات متحده، طرحى را بدون فكر تأييد كرد كه تصويب ادغام‏هاى رسانه‏اى بزرگ را بيشتر تقويت مى‏كردو كميته ارتباطات مركزى (FCC) كه موظف بود همه ادغام‏هاى رسانه‏اى را در ايالات متحده بررسى كند، حتى يك اظهارنظر هم نكرد.

ادغام NBC و Vivendi شبيه خيلى‏هاى ديگر نيست. معامله اين دو شركت، يك ادغام جهانى است. دو رسانه خيلى بزرگ، يكى از ايالات متحده و يكى ازفرانسه، اكنون براى رسيدن به برترى در اين صنعت متحد شده‏اند. GE )جنرال الكتريك) مسلماً در حال ايجاد يك بازى قدرت حساب شده است تا ازپس تلاش‏هاى شركت خبرى روبرت مورداك برآيد. دارايى‏هاى اين شركت خبرى (مورداك) كه در استراليا بنا نهاده شده، در سراسر جهان چشم‏گيراست... يا همان‏طور كه دارثِ وادر در گفت‏وگوى نهايى برنامه «امپراتورى مقابله به مثل مى‏كند» درباره آن گفت: «با عظمت... بسيار با عظمت!»

دارايى‏هاى اين شركت خبرى به اين شرح است: شبكه تلويزيونى فاكس نيوز؛ فاكس اسپورت؛ شبكه FX؛ كانال نشنال جئوگرافيك؛ سرگرمى‏هاى‏خانگى و فيلم‏هاى قرن بيستم FOX )شامل تقريباً تمام فيلم‏هاى استاردار)ز؛ فاكس اسپورت استراليا؛ شبكه استار در آسيا (كه مركز آن تايوان است(؛BSkyB )بريتانياى كبير(؛ DirecTV )ايالات متحده(؛ FOXTEL)استراليا) و Sky Italia )ايتاليا) و سرويس‏هاى تلويزيون پخش ماهواره‏اى مستقيم؛مجله تى‏وى گوايد؛ 175 روزنامه مختلف در انگلستان، استراليا، فى‏جى، پاپوآ گينه نو و ايالات متحده؛ ناشران هارپركولينز؛ ليگ ملى‏راگبى؛ ماشروم رى‏كوردز و... اين شركت خبرى واقعاً بزرگ است و سود سال 2003 آن به 19 ميليارد دلار رسيد.

جنرال الكتريك (GE) نيز يك غول است. اين شركت به درآمد 134/2 ميليارد دلارى، فعاليت در بيشتر از 100 كشور و داشتن بيشتر از 315000 كارگردر سطح جهان در سال 2003 مى‏بالد. NBC يكى از شبكه‏هاى تلويزيون اصلى مى‏باشد كه در سال 1926 تأسيس شده است، در حدود 6000 كارمنددر سطح جهان دارد و بزرگ‏ترين شبكه تلويزيونى با درآمدى حدود 4/46 ميليارد دلار در سال 2003 است. با اين وجود، GEدر مكان دوم - متعاقب‏ديگر شركت‏هاى ادغام شونده مطرح - قرار نخواهد گرفت. هر چند اين شركت چندمليتى غول‏آسا قصد داشت تا حد ممكن بر تمام رسانه‏هاى جهان‏مسلط شود.

شبكه اعلام كرده است: «شبكه تلويزيونى NBC هر ساله تقريباً 5000 ساعت از برنامه‏هاى تلويزيون را پخش و به بيش از 200 ايستگاه مرتبط با آن‏در سراسر ايالات متحده ارسال مى‏كند.» شبكه افزود: «سيگنال NBC تقريباً در 99% از خانه‏هاى ايالات متحده به وسيله دستگاه‏هاى تلويزيون پخش‏مى‏شود.»

علاوه بر برنامه‏هاى تلويزيون NBC، سلطه اين شبكه تلويزيونى شامل چهارده ايستگاه تلويزيونى وابسته در بازارهاى بزرگ تلويزيون ايالات‏متحده، كه تقريباً 30% از تماشاى خانگى تلويزيون مردم را پوشش مى‏دهد؛ Telemundo، كه يك شبكه تلويزيونى آمريكايى با زبان اسپانيولى است كه‏با 92% از بيننده‏هاى آمريكايى اسپانيايى زبان ارتباط برقرار مى‏كند؛ و شبكه كابلى Bravo كه با بيش از 70 ميليون خانواده در ايالات متحده مرتبط است،نيز مى‏باشد.

شبكه عظيم NBC با شركت مايكروسافت (شركتى چندين ميليارد دلارى كه سيستم عامل ويندوز متعلق به آن است) نيز براى توليد شبكه خبرى پولى -مالى CNBC/MSN و برنامه‏سازى خبرى MSNBC همكارى مى‏كند.

جنرال الكتريك علاوه بر تعداد گسترده نمايندگى‏هاى رسانه‏اى، در حوزه‏هاى تأمين بودجه مصرف‏كننده (وام و حق بيمه)، دستگاه‏هاى پزشكى، موادخاص (پلاستيك)، محصولات مصرفى، دستگاه‏هاى قدرت، موتورهاى هواپيما، توليدات راه‏آهن، طرح‏ريزى بازرگانى و مديريت زيست‏محيطى نيزدارايى‏هاى تجارى دارد.

جهانى‏سازى يك راه براى استراتژى بلندمدت توسعه جنرال الكتريك است. در گزارش ساليانه سال 2003 جنرال الكتريك، شركت بيان مى‏كند كه‏يك برنامه اقتصادى براى توسعه و رقابت جهانى ايجاد شده است. شركت‏هاى موفق بايد جهانى فكر كنند... در اين دوره پرشور جهانى‏سازى، تنهاشركت‏هاى رقابت‏طلب مى‏توانند سرمايه‏گذاران، كارفرمايان و سهام‏دارانشان را حفظ كنند.

جنرال الكتريك مى‏گويد كه در دستاورد وايوندى، اكنون «يك شركت رسانه‏اى دارد كه براى آينده ديجيتال ذخيره شده است». شركت مى‏گويد كه«پخش تلويزيون با تغييرات در تكنولوژى نمايش و پخش، تحت تأثير قرار خواهد گرفت... VUEدارايى‏هاى بسيار زيادى را به NBC اضافه مى‏كند،شامل محتواى عظيم، سرويس‏هاى كابلى جالب، يك استوديوى فيلم مهم و درآمدهاى گسترش يافته.»

همان‏طور كه در جريان ادغام جنرال الكتريك فهميده شد، در آينده براى كنترل رسانه، يك شركت نه تنها مى‏بايست محتواى خود را داشته باشد، بلكه‏به وسايل توزيع هم نياز دارد. يك روش استحكام بخشيدن به شبكه‏هاى توزيع، همان مسيرى است كه جنرال الكتريك در آن حركت مى‏كند.

به برنامه جهانى وايوندى (VUE) كه يك شركت عظيم مى‏باشد وارد مى‏شويم. شركت سود سال 2003 خود را در حدود 2/5 ميليارد يورو (3 ميليارددلار) تخمين مى‏زند. اين غول سرگرمى 55/451 كارمند در 71 كشور دارد. دارايى‏هاى وايوندى شامل اين موارد است: Canal+Cableبا 8/1 ميليون‏مشترك در فرانسه؛ استوديو توزيع فيلم با يك بايگانى 5000 فيلمى، استوديو توليد فيلم «فيلم‏هاى جهانى»؛ استوديو جهانى ويدئو خانگى؛ گروه‏تلويزيون جهانى؛ (نمايش تلويزيونى «لاو و اوردر» و غيره)؛ شبكه كانال كابلى آمريكا كه با 87 ميليون خانواده مرتبط است؛ كانال Scifi)تفريحگاه‏ها وپارك‏هاى تك منظوره جهانى)؛ گروه جهانى موزيك (UMG) )شركت مى‏گويد از هر 4 آلبوم كه در سال 2002 فروخته شد، يكى از آن‏ها آلبوم UMGبود)؛ گروه SFR CeGetel )كه دومين اپراتور مخابراتى در فرانسه با بيش از 18 ميليون مشترى كه شامل مارك محبوب Vodafoneمى‏باشد)؛ و بازى‏هاى‏جهانى وايوندى.

يك سؤال مهم در تمام اين‏ها، اين است كه در جريان اين ادغام‏ها چه كسى سود مى‏برد؟ آيا جهانى‏سازى و شركت‏هاى ادغام شده به كارگران سودمى‏رسانند؟ چيزى كه قابل اطمينان مى‏باشد اين است كه آنان خيلى خوب كار مى‏كنند. به عنوان مثال، در سال 1997، مجموعه درآمد مدير (CEO) جنرال‏الكتريك 83 ميليون دلار بود و از مجموع درآمد همه 10/000 كارگر جنرال الكتريك در مكزيك بيشتر بود. به جفرى آى ملت كه در سپتامبر سال 2001مدير جنرال الكتريك شد، از كل حقوق و امكانات موجود در سال 2002 با ارزش بالقوه 43 ميليون دلار، 6/9 ميليون دلار رسيد. اين زمانى بود كه سهام‏موجود بازار GE 39% پايين آمد. آى ملت پايه حقوق 3 ميليون دلارى مى‏گيرد، عيدى دريافت مى‏كند (3/9 ميليون دلار در سال 2002) و از 550 هزارسهام خود، بيش از 200 هزار دلار سود مى‏برد. گذشته از 4 ميليون حقوق و ديگر مزاياى سال 2003، پرداختى سالانه به آى ملت حدود 7/5 ميليون دلاربود.

از سال 7991، GE 20/000 شغل در هند ايجاد كرده است و در طول دهه گذشته 100/000 شغل بيرون از ايالات متحده اضافه كرده است. نيروى كارآمريكايى جنرال الكتريك حدود 160/000 گنجايش داشته است و متوسط دستمزدها از سال 1993، به طور ميانگين سالانه 4/5 درصد افزايش پيداكرده است. فرض اساسى GEاين است كه صادر كردن شغل از ايالات متحده، هم براى تجارت و هم براى آمريكا خوب است. روشن است كه تبديل‏شدن به يك شركت چندمليتى موفق، هدف مهمى براى شركت است.

در نهايت، مزيت مهم ادغام رسانه‏اى، گسترش نفوذ شركت اصلى است. GE از شبكه NBC خواست كه با وايوندى ادغام شود تا قدرت بيشترى در بازاررسانه‏هاى ارتباط جمعى به دست آورد. سياست اصلى يك شركت، توليد پول است. اين به طور ذاتى بد نيست. هركسى نياز دارد كه پول به دست آورد. بااين وصف، تلويزيون يك نوع رسانه است كه از طريق امواج راديويى عمومى پخش مى‏شود. از لحاظ قانونى، توانايى پخش شبكه تلويزيونى متعلق به‏مردم است، نه سهام‏داران شركت‏ها. به خاطر اين است كه قرار بود FCC و FTC بر ادغام‏ها و تلفيق‏ها نظارت داشته باشد.

با اين حال، از زمان قانون مخابرات در سال 1996، صنعت رسانه آزادسازى مداومى را تجربه كرده است. در مورد NBC-Vivendi، FCCحتى يك‏اظهارنظر هم نكرد. بنابراين آيا ادغام Vivendi و NBC در جهت منافع عمومى است؟

لاورنس ك. گراسمن رئيس NBC News در سال‏هاى 1984 - 1988، در مصاحبه‏اى با هرى كريزلر از مؤسسه استوديوهاى بين‏المللى UC Berkeley درسال 2001، اين چنين بيان كرد: «شركت‏ها در مورد اين‏كه چه مقدار براى سهام‏دارانشان سودآور هستند، مورد قضاوت قرار مى‏گيرند و البته آن‏هامسئوليت‏هاى عمومى نيز دارند... با اين حال، اگر شما در يك شركت بازرگانى باشيد، طبق يك اصل جارى، وظيفه شما پول درآوردن است، نه حفاظت ازمنافع عمومى.»

گراسمن مى‏گويد كه در تجارت تلويزيون امروز شما باز هم موقعيت تناقض‏آميزى داريد: ما چيزهاى زيادى فراهم مى‏كنيم؛ شبكه‏هاى زياد، ماهواره‏هاى‏خبرى زيادى در آسمان، كه متعلق به شركت‏هاى چند رسانه‏اى جهانى انگشت‏شمار است و به اين خاطر قرار داده شده‏اند تا عمده برنامه آن پخش‏اخبار باشد ولى اكنون مهم‏ترين خبر آن‏ها اعلام ترازنامه تايم وارنر، تورنر، ديزنى، ABC، و ياكام، CBS، NBC است. اخبار تنها يك بازيگر كوچك دراين شركت‏ها است. بنابراين همه حالت‏هاى تقدم و تمركز، جابجا مى‏شوند. هنگامى كه شما تلويزيون را روشن مى‏كنيد تا رويدادهاى خبرى را ببينيد،چيزى كه اكنون با آن روبرو مى‏شويد كمتر خبرى است؛ به گفته گراسمن، اخبار تلويزيون بيشتر يك حالت تفريحى دارد و كمتر تحقيقى است:«هنگامى كه من به NBC News رفتم، چيزى كه مرا شگفت‏زده كرد - و البته در مورد ديگر شبكه‏ها هم صادق بود - اين بود كه واقعاً چقدر گزارش‏ها وعقايد جدّى كمى در حال پخش شدن است.»

گراسمن مى‏گويد: «اين خيلى سطحى است كه مجله‏هاى خبرى را كه واقعاً بى‏مسما هستند، در ساعات پر بيننده تلويزيون قرار دهيم. آن‏ها اساساًمجله‏هاى سرگرمى هستند.» او مى‏افزايد: «بنابراين شما اين نظريه را به دست مى‏آوريد: براى جذب كردن يك بيننده و براى جذب كردن آگهى‏دهنده‏ها كه به دنبال بيننده هستند، به جاى نمايش اخبار موثق در مورد دولت و كمك‏هاى مالى و مسائل بين‏المللى، ما بايد بيشتر بر جنبه‏هاى سرگرمى‏اخبار تمركز كنيم».

در يك مصاحبه با PBC در 8 اكتبر سال 2003، گزارشگر نيويورك تايمز، بيل كارتر، در مورد معامله NBC-Vivendiصحبت كرد: « NBCاكنون شروع‏كرده تا هم پخش و هم اتحاديه را كنترل كند، بنابراين سودها و درآمدها در هر دو طرف، هدف اكثر اين معاملات مى‏باشند.» او افزود: «آن‏ها مشكل‏خاصى با نمايندگى Low and Order، كه يكى از مهم‏ترين نمايندگى‏هاى NBC مى‏باشد و سه تا از نمايشگاه‏هاى بسيار موفق را دارد، داشتند: آن‏هامتعلق به Universal بودند!»

يك اثر ممكن در اين ادغام‏ها مى‏تواند محدود كردن عقايد و نظرياتى باشد كه در شنوندگان زيادى تأثير مى‏گذارد. كارتر مى‏گويد: «من فكر مى‏كنم كه‏بيننده متوجه هيچ تفاوتى در چيزهايى كه در حال پخش مى‏بيند، نمى‏شود؛ اما شما مى‏توانيد به روشنى استدلال كنيد كه زمينه خلاقيت يا انتخاب كم‏خواهد شد.» او مى‏گويد: «بيشتر شبكه‏ها كه استوديوهاى بزرگ دارند، نمايش‏ها را براى شبكه خودشان توليد مى‏كنند؛ براى توليدكنندگان خارج از شبكه‏سخت است كه به آن وارد شوند و من فكر مى‏كنم، همين امر موجب از بين رفتن خلاقيت در شبكه مى‏شود.»

امروزه، تنها 3 شركت، Viacom )UPN,CBS)، جنرال الكتريك (NBC-Vivendi)و والت ديزنى (ABC,ESPN) در ساعات پر بيننده با بيش از 50% ازبينندگان تلويزيون از طريق پخش هوايى و كابلى ارتباط دارند. با اضافه كردن شركت خبرى (FOX) و (CNN,HBO,WB(AOL/Time-Warner، 5شركت بر حدود 80% از برنامه‏هاى تلويزيونى نظارت دارند. همچنين اكنون 20 شبكه از حداكثر 25 شبكه كابلى نيز متعلق به اين پنج شركت بزرگ‏مى‏باشد.

رابرت دبليو مك چنسى در شماره مارس سال Monthly Review 1002 استدلال مى‏كند كه گرايش جديد جهانى‏سازى به سوى ايجاد اليگوپلى رسانه‏اى‏است. در اليگوپلى تنها تعداد كمى از توليدكنندگان مى‏توانند مراكز تجارى را تحت تأثير قرار دهند. او بيان مى‏كند: «اين اليگوپلى جهانى 2 جنبه مجزا امامرتبط به هم دارد. اول، شركت‏هاى پر نفوذ (تقريباً تمام شركت‏هاى آمريكايى) با سرعتى سرسام آور در خارج از آمريكا در حال رشد هستند. زيرابازار آمريكا به خوبى توسعه يافته است و فقط توسعه فزاينده را امكان‏پذير مى‏سازد.» «دوم، تلاقى و ادغام است. صنايع رسانه‏اى خاص در حال‏متمركز شدن هر چه بيشتر هستند و بازيگران برجسته در هر صنعت رسانه‏اى به طور فزاينده‏اى وابسته به شركت‏هاى مختلط رسانه‏اى عظيم جهانى‏هستند.»

طبق نظر مك‏چنسى، نتيجه اين است كه هنگامى كه شركت مختلط رسانه‏اى بر سياست‏هايى كه تسلط آن‏ها را بر بازار در سراسر جهان تسهيل مى‏كند،پافشارى مى‏كنند، آن‏ها مجبورند ديدگاه‏هاى غيرمتعارف را خود در مورد محتواى اخبار ابراز كنند. جاى بحث‏هاى موشكافانه روزنامه‏نگارى تحقيقى باسرگرمى‏هاى سبك عوض شده است، همان‏طور كه شركت‏هاى رسانه‏اى تلاش مى‏كنند كه «از سليقه‏هاى محبوب حمايت كنند تا يكنواخت‏تر شوند»،هر عقيده‏اى كه با اهداف شركت‏ها سازگار نباشد، به سادگى از ليست حذف مى‏شود.

اشاره به استاروارز كه همراه با شوخ‏طبعى در اين مقاله استفاده شد، ممكن است به ناحق جنرال الكتريك، NBC يا هر شركت خبرى را به عنوان‏شركت‏هاى فاسد ترسيم كند. مطمئناً اين كار غيرمجاز است. هزاران نفر از مردم كه در اين شركت‏هاى چندمليتى كار مى‏كنند فاسد نيستند و شايدمديران اين شركت‏ها هم نيت‏هاى بدخواهانه‏اى در مورد توسعه جهانى نداشته باشند. هدف، پول، قدرت و كنترل است. اين روش آمريكايى است. اين‏كاپيتاليسم است. چيزى كه مى‏تواند مورد بحث باشد اين است كه آيا سهام مالى مشترك و جهانى‏سازى، براى ايالات متحده و جهان سودمند هستند يازيان‏آور.

آيا مسأله ادغام رسانه‏اى و جهانى‏سازى بايد بدون هيچ اظهارنظرى، به سادگى تصويب شود؟ اگر شبكه‏هاى تلويزيونى، اخبار يا برنامه‏هاى‏روشنگرانه براى مردم نمايش ندهند، آن‏گاه مردم چگونه از واقعيت مطلع خواهند شد؟ آيا واقعيت هنوز مهم است؟

بدون شك، شركت‏هاى مختلط رسانه‏اى خوب نيستند. امواج راديويى ديگر متعلق به عموم نيستند. منافع شركت‏هاى معدودى، آنچه را كه در شبكه‏هاى‏تلويزيونى پخش مى‏شود، كنترل مى‏كند و به خاطر اين‏كه بررسى دقيق ادغام‏هاى رسانه‏اى ممكن است شركت‏هاى اصلى را در مظان اتهام قرار دهد،بحث در مورد اين موضوع، هرگز در ساعات پر بيننده تلويزيون پخش نخواهد شد.

امپراتورى نه تنها مقابله به مثل كرده است بلكه در حال پيروز شدن است. با اين وصف نااميد نشويد. در فيلم‏هاى استاروارز، گرچه دارث وادر وامپراتورى گالاكتيك تقريباً بر تمام مجموعه مسلط هستند، در پايان، گروه كوچكى از ياغيان و بخش خوب قدرت پيروز مى‏شوند.

سرانجام، نظرات مردم بدون زوايدى مثل آرم‏هاى شركت‏ها، ديدگاه‏ها و يا تبليغات، دوباره شنيده خواهد شد. «تلويزيون يك وسيله يك طرفه است وراديو نيز در حال اين‏گونه شدن است. اما اينترنت با داشتن امكانات e-mail، گروه‏هاى چت و تكنولوژى‏هاى جديد تلويزيون ديجيتال، مردم را قادرمى‏سازد تا رابطه متقابل داشته باشند و اين مسئله، تفاوت‏هاى زيادى را ايجاد مى‏كند. ما ديگر فقط يك انسان خوره تلويزيون نيستيم.»

منبع: WWW.turnoffyourtv.com